

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

از شار تا شهر

تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن
تفکر و تأثر

نوشته

دکتر سیدمحسن حبیبی
استاد گروه شهرسازی، دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۹۶۷۰

شماره انتشار ۲۳۰۴

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: حبیبی، محسن، ۱۳۲۶-
عنوان و نام پدیدآور	: از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن؛ تفکر و تأثر / نوشته محسن حبیبی.
وضعیت ویراست	: [ویراست؟].
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۸ ص. : مصور، جدول، نمودار.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۳۰۴.
شابک	: 978-964-03-5206-9
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ هفدهم با تجدید نظر.
یادداشت	: کتابنامه
عنوان دیگر	: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن؛ تفکر و تأثر.
موضوع	: شهرنشینی -- ایران -- تاریخ
موضوع	: شهرسازی -- ایران -- تاریخ
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ح ۲ الف / ۳۸۴ HT
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۷/۷۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۲۴۷۹۰

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

عنوان: از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن؛ تفکر و تأثر)



تألیف: دکتر سید محسن حبیبی

نوبت چاپ: هفدهم با تجدید نظر

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مطالب

پیشگفتار بر چاپ هفدهم.....	ز
پیشگفتار بر چاپ ششم.....	ض
شهر ایرانی - دوره دوم.....	ط
مقدمه.....	غ
فصل یکم: شهرنشینی، شهرگرایی و «شهرسازی» قبل از اسلام.....	۱
مدخل.....	۳
یکم: مرحله شکل گیری و پیدایش پدیده شهر.....	۶
الف: پیدایش مفهوم شهر و شهرگرایی در دوران ماد.....	۶
ب: شار در دوران هخامنشی، بالندگی مفهوم.....	۱۰
دوم: مرحله پیدایش «نوشهرها» و تجربه سازماندهی شبکه شهری.....	۱۷
دگرگونی مفهوم: بنیانگذاری شهر - دولت، شیوه پاریسی - هلنی.....	۱۷
سوم: مرحله تعمیم شهرگرایی و شهرنشینی و تجربه ساماندهی سرزمین.....	۲۲
الف: دگرگونی در مفهوم شهرهای خود فرمان پاریسی - هلنی.....	۲۲
شار پارتی در دولت اشکانی.....	۲۲
ب: بالندگی مفهوم شار و سازمان یافتگی کامل آن.....	۲۸
شار پارتی در دولت ساسانی.....	۲۸
فصل دوم: شهرنشینی، شهرگرایی و «شهرسازی» در دوران اسلامی.....	۳۵
مدخل: دگرگونی مفهوم.....	۳۷
عوامل مشخصه شهر در دوره اسلامی.....	۴۱
الف: مسجد.....	۴۱
ب: بازار.....	۴۵
ج: محله.....	۴۶

شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در دوران متقدم اسلامی	۴۸
ساخت و سازمان شهر از قرن یکم هجری قمری، تا قرن چهارم هجری قمری	۵۲
شکل‌گیری دولت اسلامی، بازسازی مفاهیم کهن	۵۲
تولد مفهوم جدیدی از شار	۵۷
ساخت و بافت شار از قرن چهارم تا قرن هفتم هجری قمری	۶۴
مفهوم شار در قرن چهارم هجری قمری و مبانی آن	۶۴
مفهوم شار و سازمان آن در قرن پنجم و ششم هجری قمری	۶۸
تشکیل نظریه دولت و تدوین آن، دگرگونی در مفهوم شار	۶۸
ساخت و سازمان شهر از قرن هفتم تا قرن یازدهم هجری قمری	۷۴
فروپاشی سازمان شهری و ابداع مجدد مفهوم	۷۴
ساخت و بافت شهر از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم هجری قمری	۸۲
اعتلاء و ارتقای مفهوم دولت	۸۲
ابداع مجدد مفهوم شار (مکتب اصفهان)	۸۸
اصول و قواعد دستوری مکتب اصفهان در شهرسازی	۹۶
باز فروریزی مفهوم دولت، از میان رفتن سازمان شهری و مفهوم شار	۱۰۲

فصل سوم. شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در دوران معاصر، ابداع مجدد

مفهوم شار	۱۰۵
ساخت و سازمان شهر و تحول آن در دولت قاجار ۱۲۲۶-۱۱۶۵ هجری شمسی	۱۰۷
دگرگونی در مفهوم دولت، دگرگونی در مفهوم شهر	۱۰۷
دگرگونی در مفهوم شار ۱۲۷۵ - ۱۲۲۶ هجری شمسی	۱۲۳
تولد سبک تهران	۱۲۳
تقویم تاریخی دولت قاجار ۱۲۹۹ - ۱۱۶۵ هـ ش	۱۴۱
ساخت و سازمان شهر و تحول آن در دولت پهلوی ۱۳۵۷ - ۱۳۰۴ هجری شمسی	۱۴۴
دگرگونی در مفهوم شهر ۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ هجری شمسی	۱۵۳
اشاعه سبک بین‌الملل در شهرسازی و معماری، آشفستگی مفهوم، الگوی تهران	۱۵۳
آشفستگی در مفهوم سنت گرایی و سنت‌گریزی	۱۶۸

فهرست □ خ

دگرگونی در مفهوم شهر ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ هجری شمسی.....	۱۷۹
مرحله اول ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ هجری شمسی، تعریفی جدید از شهر و مفهوم آن.....	۱۷۹
مرحله دوم ۱۳۴۵ - ۱۳۳۲ هجری شمسی، آغاز فرآیند شهری شدن کشور.....	۱۸۴
مرحله سوم ۱۳۵۷ - ۱۳۴۵ هجری شمسی، آغاز شهرسازی جدید.....	۱۹۱
تقویم تاریخی دولت پهلوی ۱۳۵۷ - ۱۳۰۴ هجری شمسی.....	۲۰۳
تأملی بر شهرسازی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۲۰۸
مؤخره	۲۱۸
کتابشناسی.....	۲۲۵

فهرست نقشه‌ها و تصاویر

۹.....	ساخت کالبدی شهر پارسی در دوره ماد.....
۱۶.....	ساخت کالبدی شهر پارسی در دوره هخامنشی.....
۱۹.....	جاده‌های ابریشم - ادویه.....
۲۷.....	ساخت کالبدی شهر پارتی در دوره پارتی.....
۳۴.....	ساخت کالبدی شهر پارتی در دوره ساسانی.....
۶۳.....	ساخت کالبدی شهر در اوائل سلطه اعراب بر ایران.....
۷۳.....	ساخت کالبدی شهر در دوره سلجوقی.....
۸۱.....	نیشابور (شهر ایلخانی).....
۱۰۴.....	ساخت کالبد شهر در دوره صفویه.....
۱۰۸.....	نقشه برج و بارو و دروازه‌های تهران ۹۶۱ هـ ق.....
۱۰۹.....	نقشه تفکیک محلات دارالخلافه تهران ۱۲۳۳ هـ ش.....
۱۱۴.....	دروازه‌های دارالخلافه تهران ۱۲۳۳ هـ ش.....
۱۱۷.....	نقشه ارتباطات اصلی ... دارالخلافه تهران.....
۱۱۹.....	نقشه دارالخلافه تهران ... ۱۲۳۳ هـ ش.....
۱۲۲.....	نقشه گسترش دارالخلافه تهران از ۹۶۱ هـ ق. تا ۱۳۱۱ هـ ق.....
۱۲۴.....	نقشه ارتباطات اصلی شهر تهران تا ۱۳۱۱ هـ ش.....
۱۲۷.....	دروازه‌های دارالخلافه تهران تا سال ۱۳۱۱ هـ ش.....
۱۳۱.....	نقشه تفکیک محلات دارالخلافه تهران.....
۱۳۳.....	خیابان‌ها و راسته‌های اصلی دارالخلافه تهران.....
۱۳۵.....	تکیه دولت، دید از شمس‌العماره.....
۱۳۸.....	تکیه دولت، دید از دروازه ارگ.....
۱۳۹.....	خیابان علاءالدوله.....
۱۵۴.....	نقشه تهران ۱۳۱۱ هـ ش.....
۱۶۰.....	فروپاشی دیوار تهران و ایجاد خیابان کمربندی.....
۱۶۳.....	نقشه گسترش تهران تا سال ۱۳۳۰ هـ ش.....
۱۶۵.....	نقشه گسترش تهران تا سال ۱۳۳۰ هـ ش.....
۱۷۷.....	نقشه میدان اصلی شهر همدان.....

ذ □ فهرست

۱۷۸.....	نقشه بافت کهن شهر همدان.....
۱۸۳.....	نقشه شهر تهران در ۱۳۳۰ هـ ش.....
۱۸۶.....	نقشه گسترش شهر تهران.....

پیشگفتار بر چاپ هفدهم

دگردیسی و پایائی شهر و مفهوم آن

دگردیسی مفهوم شهر، دگردیسی حافظه جمعی شهر است که آرام و پیوسته با دگرگونی شهر، تخریب‌ها و جانشینی‌های فضاها و مکانهای شهر، در طول زمان رخ می‌دهد. همه فرهنگ‌ها و جوامع در طول تاریخ یعنی در طول زمان و با واسطه دو گانه تخریب و بازسازی یا همنشینی و جانشینی رفتارها، هنجارها و کردارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و البته کالبدی و فضائی بخود شکل داده و توسعه یافته‌اند. سنت ساخت و تولید فضا و مکان در طول زمان همواره با ابداع و نوآوری همراه بوده است. در همه تمدن‌های بشری و شهری، دانش تاریخی زیست سرزمینی در هماوائی با طبیعت پیرامونی و دانش فنی و فناوری زمانه پیوسته و همیشه آکنده از نوآوری بوده و سنت ساخت و تولید فضا و مکان بازتاب دو گانه فرهنگ (دانش تاریخی زیست به علاوه دانش فنی زمانه) و طبیعت می‌باشد.

در این سنت همنشینی و جانشینی فضا و مکان در زمان، سه گانه مهارت تخریب، مهارت حفاظت و مهارت ساخت، مجموعه همبسته فرایند ساختن، آفریدن و نوآفریدن را شکل می‌دهد. در این سنت، تخریب یعنی توانائی از دست دادن برای بهتر بنیان کردن، یعنی هنر و دانش ساختن. زیبایی و نفاست نتیجه این هنر و دانش است. دانش ساختن، ثروت ناملموس ملت‌هاست. ثروتی که در گرو دو حافظه سازمند (دانش فنی و فناوری زمانه) و حافظه تاریخی (دانش تاریخی زیست سرزمینی) در هماوائی با طبیعت است.

نتیجه غائی تبلور فرهنگ و طبیعت در محیط انسان ساخت و رفتارهای جامعه، شکل‌گیری شهر و فضاهاى شهری است و به همین سبب، شهر موجودیتی انسان شناسانه می‌یابد و تجربه آن نیز تجربه‌ای انسان شناسانه است. تجربه‌ای آکنده از آمیختگی ذهن آدمی با محیط پیرامونش، تجربه‌ای حاکی از ترکیب سه گانه فضا، زمان و حافظه فردی یا جمعی. تجربه‌ای که منجر به شناختی از شهر می‌شود که بیش از آنکه حاصل تفکری آگاهانه باشد، به صورت ناخودآگاه بدست می‌آید. تجربه شهر حاصل ادراکات فردی و جمعی شهروندانی است که فضا، زمان و مکان را باهمه حواس پنجگانه خود در می‌یابند و به یاد می‌سپارند.

تجربه انسان‌شناسانه شهر با چهارگانه یاد همراهی می‌شود: یاد گرفتن، یاد دادن، یاد آوردن و از یاد بردن. شهر در طول زمان به تولید فضا و مکان پرداخته است، برخی از آنها را به یادمان تبدیل کرده و حافظه و خاطره‌های بین نسلی را در آنها حک کرده است، از آنها یاد گرفته است و بوسیله آنها یاد داده است و بسیاری از مکان‌ها، فضاها و بناها را نیز بنا به عرف زمانه از یاد برده است و از خاطر خود زدوده است. تجربه انسان‌شناختی شهر نشان از این دارد که زمانی بنا، مکان و فضا در خاطر شهر می‌نشینند که با رویدادی همراه شده یا همراه شوند. رویدادهایی از نظر تاریخ لحظه‌ای و زمانه‌ای در زمان، ولی از نظر شهر همیشگی و خاطره‌ای که از نسلی به نسل دیگر در می‌گذرند، پیوسته و با سرمایه‌گذاری فرهنگی و اجتماعی هر نسلی برغناهی خود می‌افزایند و مهر و نشان خود را بر بنا، مکان و فضا می‌زنند. این جا را در مقابل آن جا می‌گذارند و کجا بودن را طرح می‌کنند. رویدادهایی که در پس هر واقعه و حادثه تازه‌ای به حال می‌آیند و در حال شهر موثر می‌افتند، خاطرات جمعی بین نسلی به روز می‌شوند و زندگی روزمره شهری را مملو از لحظه‌های زیست شده می‌کنند.

تجربه انسان‌شناسانه شهر، روایت مدنیت شهر است، مدنیتی تبلور یافته در فضا و مکان، مدنیتی که همراه با دگرگونی و دگردیسی مداوم و آرام یا شتابان مکان و فضای شهری دگرگون می‌شود و دگردیسی می‌یابد. مدنیتی حاکی از پایائی شهر و مفهوم آن. در سه دهه آخرین قرن بیستم، مفهوم کلانشهر در رابطه با دگرگونی‌های چشمگیر فنی در وسایل و شبکه‌های حمل و نقل به خصوص ریلی، جاده‌ای و هوایی و نیز شبکه‌های ارتباطی، استحاله دیگری در مفاهیم فضا، مکان و زمان را سبب شده است. شهر، فضای شهری و ساکنان و شهروندان در معرض همزمانی امور ناهمزمان واقع شده اند، اموری مربوط به جهان‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بس متفاوت.

هنوز در شهر بخش‌هایی از شهر کهن وجود دارد، مملو از فضای تماس و همسایگی. هنوز محله در مفهوم کهن، آکنده از گذرها حضور دارد با جمعیتی که سرسختانه با هنجارها و رفتارهای پیشاصنعتی به زندگی شهری ادامه می‌دهد. هنوز در شهر بخش‌هایی وجود دارند مربوط به دوران کلاسیک با غلبه فضای نمایش و رسمیت کالبدی برای باززیستن جشن‌ها و سرورهای عمومی، گاه امروزمین و اغلب سنتی. هنوز در شهر، چه در مرکز و چه در پیرامون، بخش‌هایی وجود دارند که بر روال اندیشه‌های نوآورانه (مدرنیستی) پنج دهه اول قرن بیستم ساخته شده یا می‌شوند، گاه سخت فرسوده و آسیب‌پذیر و گاه نوسازی شده، مکان‌هایی که

پیشگفتار □ ش

اغراق در عملکرد مسکونی آنها جایی برای دیگر کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری باقی نگذاشته است و ساکنان آنها در جهانی متفاوت از رابطه‌ها زندگی می‌کنند و بخش‌هایی نیز وجود دارند، چه در درون و چه در پیرامون، که با معماری و شهرسازی پروتز بی هیچ پیوندی با زمینه و فضای ساخته شده پیرامونی و طبیعت در حال جویدن و سوراخ کردن فضاهای شهری و طبیعت هستند.

با این پیش در آمد، می‌توان گفت که فضا به صورت عام و فضای شهری به طور خاص، متأثر از و موثر بر همه رفتارهای انسانی است، آدمی همه نظام‌های نشانه‌ای خود (خط، شعر، موسیقی، نمایش، مجسمه سازی، معماری و شهر) را در آن می‌سازد، نظام‌هایی برای یاد گرفتن، یاد دادن و یاد آوردن چپستی آدمی، زندگی مدنی او، کجائی بودن او و کیستی بودنش. آدمی همه نظام‌ها را خلق کرده و خود مخلوق آنها شده است. شکی نیست که این فضا در هر زمانی مشروط و وابسته به ذهنیت، به ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دانش فنی و فناوری زمانه است و در هر زمانه‌ای تصویر و تصویری نو و متفاوت را عرضه می‌دارد. تصویر و تصویری که به کاردانی و مهارت آدمی در ترکیب سه گانه دانش تاریخی زیستی سرزمین، طبیعت پیرامون و دانش فنی زمانه وابسته است.

این تصویر و تصور چارچوب عملی هنجارها و رفتارهای زندگی روزانه آدمی در فضای شهری است، فضائی که در دل روزگاران دگرگون شده و دگردیسی یافته و با پائینی، خود را به روزگار نو رسانیده است. فضای شهری در داستان شهر بازیگر اصلی است و علی رغم، شاید شکل و کالبد یگانه، دگرگونی‌های محتوایی بی‌شماری را تجربه کرده و دگردیسی یافته است. بازخوانی تاریخی فضای شهری و مکان‌های آن در طول زمان تعاریفی متفاوت از شهر و انقلاب‌های فنی، فرهنگی را فراروی می‌گذارد. تعاریفی که در تعریف امروزین فضا و مکان سهمی غیر قابل انکار دارند.

جهان‌هایی چنین متفاوت، جمع شده در گستره‌های بی‌انتهای شهر امروز را شکل می‌دهند. شهری که این زیست جهان‌های متفاوت را بوسیله شبکه‌های جاده‌ای و ریلی وسیع السیر و شبکه‌های ارتباطات از راه دور به هم می‌دوزد. شهری با علائم، نشانه‌ها، بافت‌ها و زندگی‌های اجتماعی بس متفاوت. شهری مملو از فرهنگ‌های همزمان و ناهمزمان با رفتارهای و هنجارهای اجتماعی عینی و ذهنی دیگرگونه. شهری تکه تکه شده، متمرکز و نامتمرکز، آکنده از گره‌ها و شریان‌های آمد و شد سریع.

پیشگفتار بر چاپ ششم

شهر ایرانی: دوره اول

هیچ کوزه گر کند کوزه به کار
بهر عین کوزه، نی از بهر آب
هیچ کاسه گر کند کاسه تمام
بهر عین کاسه، نی بهر طعام
هیچ خطایی نویسد خط به فن
بهر عین خط، نی ز بهر خواندن
نقش ظاهر بهر نقش غائب است
و آن برای غائبان دیگر است
«مولانا جلال‌الدین رومی»

شهر ایرانی از روزگاری دور، روزگاری که شهر در آن پی افکنده شد، تصویری بوده است از مثالی آسمانی. از همان روزگاری که جمشید به فرمان اورمزد «ور جمکرد» را بر پا داشت تا در آن شادی باشد و شور، عشق باشد و زندگی، زیبایی باشد و وصل تا زمانی که شیخ اشراق نشان آن را در اقلیم هشتم می‌داد و جایی را نشان می‌کرد که انگشت اشاره را بی سمت و سو می‌نمود و تا روزگاری که آن شهر اهورایی و این شهر ملکوتی «در مکتب اصفهان» چهره‌ای زمینی یافت، ناکجا آباد را در کجا وصف کرد و سرزمین خیال را شاهدی خاکی آورد، شهر ایرانی در آمد و شد بین خیال و واقع بوده است.

شهر مکانی بود که در عین واقعیت و عینیت، از حقیقت و ذهنیتی نشان داشت در ورای چهره‌ی ظاهری آن رخ پنهان کرده بود. شهر ایرانی شهری بود مملو از زندگی، پر از خاطره و سرشار از واقعه و حادثه. این شهر بدان سبب ساخته شده بود که کالبدی زیبا داشته باشد و کلیتی آهنگین، شهر از آن روی شکل گرفته بود تا حامل پیامی باشد از سرزمین موعود، تا رابطی باشد بین وجود و موجود، بین مکشوف و مستور.

از این سبب شهر ایرانی خود عالمی می‌گردد کامل، که سایه‌ای است از عالمی دیگر، اقلیمی می‌شود گسترده، که نشان از دیگر اقلیم نادیده را دارد. ترکیب سایه و روشن، نرم و سخت، آب و سنگ، زمین و آسمان، فشردگی و گشادگی، چم و خم، خشکی و طراوت و... جایی را مطرح می‌کند که نشان از ناکجا دارد. شهر مکانی می‌گردد برای وصل. ترکیب موسیقایی این شهر و نوایی را که سر می‌دهد به همان اندازه شورانگیز است که زخمه ساز و صدای دف ونی. جذبه و

حالی که با تکرار آهنگ آغاز می‌شود، نرم نرم اوج اوج می‌گیرد به تباین و تضاد می‌رسد از ترجیع بند و ترکیب بند در می‌گذرد و در سماع می‌آید. از ناسوت به لاهوت، از زمین به آسمان، از شاهد به خیال، از واقع به مرهوم در آنی رخ می‌دهد. چشم در آب آسمان را می‌بیند و از آسمان آئینه می‌سازد، واقع و مجاز در هم آمیخته می‌شود. آسمان وزمین به هم دوخته می‌شود و آب و خاک در هم می‌آمیزند تا کالبدی را بر پا دارند که روحی جاودانه در آن دمیده شود.

شهر ایرانی با در هم، آمیختن چهار عنصر آب، خاک، گیاه و هوا آنها را چنان با نظمی کیهانی و فلسفی در هم می‌آمیزد که تفکیک آنها از یکدیگر و از آن نظم مقدس دشوار تواند شد. شهر ترکیبی از نور می‌گردد، وجود در موجود رخساره می‌نماید، مستور با مکشوف در می‌آمیزد، باطن در ظاهر حضور می‌یابد، زمان و مکان میل به حال می‌کنند و از گذشته و آینده حال می‌سازند. حالی که در عین «شدن» است.

شهر ایرانی در دوره اول بازتاب همان شهر نخستین است، همان روح یگانه است که در کالبدهای گونه‌گون شکل گرفته و به عیاری می‌پردازد و تا دو قرن پیش شهر ایرانی چنین بود، شهری بود که هنوز نیز از فراز آسمان چهره آسمانی خود را به نمایش می‌گذارد.

شهر ایرانی - دوره دوم

مفکن گره به زلفت به هلش که باز باشد

«سروش اصفهانی»

شعری این چنین سروده شده از سنگ و آجر و خشت و گل چون دیگر هنرهای شش گانه در روزگاران معاصر تحولی دیگر می‌یابد، بیش از پیش از آسمان می‌گسلد و با زمین در می‌آمیزد، سعی بر آن می‌کند که عالمی از نو و زمینی را بر پا دارد و آدمی دیگر را جستجو کند. شهر ایرانی دوره قاجار تأویلی تازه است از شهر ایرانی تبلور یافته در مکتب اصفهان دوره صفوی، تأویلی با مفاهیم زمانی و مکانی جدید، تأویلی نو از مفهوم شهر در دل همه دگرگونی‌های حادث شده.

شهر ایرانی دوره قاجار دل در گرو شهر فرنگ دارد و عشوه گری‌هایش ولی هنوز نمی‌تواند دل از عشق دیرین و دیرپایش برکند. شهر آمیخته‌ای می‌شود از عشوه گری‌های فرنگی و طنزهای بومی، باغ فین کاشان، باغ شاهزاده کرمان (ماهان)، بازار وکیل کرمان، باغ گلشن

پیشگفتار □ ظ

شیراز، مجموعه ابراهیم خان کرمان، مجموعه و میدان خان یزد و... و بالاخره شهر تهران در کلیت خویش، نشان از چنین دلباختگی و دلدادگی دارند.

روشن است که با چنین شوریدگی، به عشق زمینی گرفتار آمدن و دل در هوای معشوق ازلی داشتن، شهر ایرانی دچار آشفته‌گی می‌گردد و التقاط، که زمانه نیز مشوق چنین التقاطی است. مفاهیم و ارزش‌های جدید سر از شکل‌ها و کالدهای قدیم بر می‌آورند و مفاهیم و ارزش‌های کهن لباس زمانه را در بر می‌کنند. عناصری تازه در کالبد شهر رخ می‌نمایند که در عین آنکه بیانگر نیازها و خواست‌های جدیدی هستند هویتی بومی دارند و چهره سرزمینی خود را حفظ کرده‌اند و در بسیاری از موارد بر ارزش‌های موجود افزوده‌اند. بنابراین در دوره قاجار با زبان به سبک و ارزش‌های فضایی جدیدی روبرو می‌شویم - که علی‌رغم التقاطی بودنشان - نام و نشانی خودی دارند و بدین سبب شاید بتوان بر آن نام سبکی تازه نهاد و از دوره‌ای با نام یا خاطره «سبک تهران» سخن گفت. سبکی که گو اینکه در نخستین مرحله محدوده کار خویش را در تهران می‌یابد ولی به سرعت به الگویی برای دیگر شهرهای ایران تبدیل می‌شود و به شهر ایرانی دوره دوم شکل می‌بخشد.

فضا در مفهوم موجود خویش بتنهائی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند. ولی به محض آنکه یک گروه انسانی فعالیت را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می‌شود، از این پس فضا بستری برای بیان فعالیت و رفتارهای انسانی می‌گردد، محلی برای تخیل و واقعیت.

مقدمه

شناخت هر پدیده‌ای به درجه شناخت ما از فرایند تاریخی آن پدیده بستگی دارد. فرایند تاریخی مآلاً بدین معنا نیست که پدیده را در بستر تاریخی آن منجمد کرده و از پدیده‌ای سیال، شیئی جامد بسازیم، فرایند تاریخی بر آنست که نحوه شکل‌گیری پدیده و عناصر مؤثر در آن را کشف کرده و سپس آن را در طول زمان مورد بررسی قرار دهد. آنچه در این فرایند اهمیت دارد، ادراک درست از شرایط عام و شرایط خاصی است که بر تحول پدیده و سیالیت آن مؤثر می‌افتد. بسنده کردن به تحلیل شرایط عام و تبیین پدیده از آن ره، به همان اندازه خطرناک است که تعمیم دادن شرایط خاص به محیطی بس وسیع و از آن ره جهان شمول کردن شرایط خاص. چون شرایط عام دریافت اوضاع و احوال کلی را میسور می‌سازد که پدیده - صرف‌نظر از هر شرط دیگری - در آن شکل می‌گیرد و تحول می‌یابد، به عبارتی روشن‌تر وجود شرایط عام را می‌توان شرط لازم برای تکوین پدیده دانست.

شرایط خاص، اجازه شناخت و درک خود پدیده را آنچنان که هست فراهم می‌آورد. شرایطی که پدیده در آن تحول خاصی را می‌پیماید و در بستر زمان شکلی دیگر می‌یابد. شکلی که پدیده را از دیگر پدیده‌های مشابه متمایز می‌کند و به دیگر سخن وجود شرایط خاص را می‌توان شرط کافی برای تحول پدیده دانست.

به همین دلیل است که شناخت فرایند تاریخی پدیده اهمیتی خاص می‌یابد، فرایندی که دو عنصر مکان و زمان به عنوان شرایط عام و دو عنصر، اقتصادی - سیاسی، و اجتماعی - فرهنگی، به عنوان شرایط خاص در آن جلوه می‌کنند. درک درست از دگرگونی‌هایی که در این عناصر رخ داده و می‌دهد، شناخت آنها و تحلیل آنها، امکانات و محدودیت‌هایی را روشن می‌سازد که پدیده در آن شکل یافته، زندگی کرده و تحول می‌یابد.

بدین اعتبار، شناخت هر پدیده و درک فرایند تاریخی و تحول آن به این دلیل اهمیت دارد که به مدد آن می‌توان به مسائل، تنگناها و سؤالات مطروحه در وضع موجود پدیده پاسخ گفت و یا به سخنی بهتر، عوامل «چرائی» وضع موجود را بازشناخت. شناخت تاریخی پدیده، سنگ زیربنای شناخت وضع موجود است و درک درست از شرایط موجود، تخمین دگرگونی‌های بعدی پدیده را ممکن می‌سازد. هرگاه گذشته (سیرتحول تاریخی) پدیده در وضع موجود آن «مستقر» باشد، آینده (دگرگونیها و تحولات بعدی پدیده) در وضع موجود آن «مستتر» است. گذشته موجود را تبیین می‌کند و موجود آینده را تخمین می‌زند.

با چنین برداشتی از فرایند تاریخی، بر آن هستیم تا «شهر» ایرانی را در گذشته و موجود آن بازشناسیم، «شار» را تبیین کنیم، «شهر» را تعریف نمائیم و شهر فردا را تخمین زنیم. تلاش بر آن بوده و است تا با تفحص در آثار به جای مانده از روزگاران گذشته - دور و نزدیک - تکوین شار و تحول آن به شهر را بازشناسیم. آثاری که می‌توان نمونه‌های بیشمار آن را در جای جای کشور - رسماً یا عرفاً شناخته شده - در محل استقرار انسانها، در مقیاس شهر، دهکده، خانه و سرپناه بازیافت. در بسیاری موارد حتی نیاز بدان نیست که تنها از طریق مشاهده و مذاقه در آثار باقیمانده از روزگاران کهن، شیوه‌های زیست و تولید را کشف کرد، از جنوبی ترین نقاط کشور - سواحل خلیج فارس و هورهای جنوبی، شادگان و بشاگرد و... - تا شهرهای درخشان به جای مانده از روزگاران نه چندان دور، می‌توان نیمرخ کالبدشناسانه از محدوده‌های زیستی را ترسیم کرد. نیمرخ از چگونگی شیوه زیست، تولید و استقرار اولیه انسان بر روی آب - در هورهای شادگان - و یا بر خاک - در کوه‌های بشاگرد - تا چگونگی شیوه زیست، تولید و استقرار متین، ظریف و محکم انسان در شهرهای تاریخی کشور.

به مدد متون بجای مانده، آثار باقیمانده و نیمرخ کالبد شناسانه موجود، سعی بر آن شد تا دگرگونی‌های کالبدی - فضائی آنچه امروزه شهر نامیده می‌شود به دست داده شود، تأکید بر دگرگونیهای کالبدی - فضائی به آن علت است که به گمان ما ترکیب کالبدی و اندامین شهر چیزی جز انعکاس و تبلور سنن زیست، شیوه‌های معیشت و تولید و رفتارها و فعالیت‌های انسانی منبعث از آن، در فضا نمی‌باشد. به دیگر سخن ساخت کالبدی شهر بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی - فرهنگی و سیاسی اقتصادی حاکم بر جامعه در فضا است که در یک مقطع زمانی - مکانی خاص رخ داده و در بستر زمان تحول یافته است. مکان به عنوان عنصر ثابت و تابع، متغیرهای زمان، جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست را در خود متبلور کرده است.

مقدمه □ ق

بررسیهای متون به جای مانده - چه در مقیاس کشور، چه در مقیاس جهان - و مطالعات میدانی در کشور در زمینه چگونگی شکل‌گیری کانونهای زیستی - به معنای عام کلمه - و شهر - به معنای اخص کلمه - چند عامل اصلی را روشن می‌سازد، عواملی که در بادی امر بسیار بدیهی به نظر می‌رسند و در بسیاری موارد یا یکی بر دیگری برتری داده می‌شود و یا اصلاً یک یا دو عامل نادیده انگاشته می‌شوند. حال آنکه پژوهشها نشان می‌دهند که حاصل و برآیند این عوامل است که در مکانی مشخص به فضا معنا بخشیده و آن را به مکان با نماد و بیان نمادین تبدیل کرده‌اند، برآیند این عوامل شکل را ساخته و شکلهای متفاوت - بنا به محتوای خویش - بافت کالبدی و شالوده فضائی شهر یا کانون زیستی را پی افکنده‌اند. و این بافت و آن شالوده به محض برپاگشتن، مفاهیمی مضاعف یافته‌اند، مفاهیمی که به هنگام تکوین با خود حمل نمی‌کردند، بلکه پس از آن و در رابطه با انسان و فعالیت‌هایش، انسان و امیالش، انسان و امیدهایش و انسان و بیم‌هایش آنها را باز یافته‌اند.

این عوامل که به گونه‌ای زنجیره‌ای به یکدیگر وابسته‌اند و از زمانی که بشر، یکجانشین شد، دولت را سامان داد و شهر را بنا کرد، تا به امروز نقشی تعیین‌کننده در تعریف آن داشته‌اند. عواملی که شهر را تعریف کرده و خود در آن تعریف گشته‌اند، به شهر معنا بخشیده و خود در آن معنا شده‌اند، شهر را پی افکنند و خود در شهر پی افکنده شدند. شهر را به اوج رسانیدند و خود با آن به اوج رسیدند و برعکس شهر را مورد سؤال قرار دادند و خود با آن دچار مسأله شدند. این عوامل را می‌توان به گونه‌ای کلی و عمده در سه گروه زیر مطرح کرد:

اول: جهان‌بینی یا چگونگی نحوه نگرش به جهان، این عامل، دین، مذهب، مسلک، فرق متفاوت اجتماعی و مذهبی و... را شامل شده و تأثیر و تأثر آنها را در شکل بخشیدن به کانونهای زیستی و شهر نشان می‌دهد. مراد از این عامل هر آن چیزی است که معنای فرهنگی و یا اجتماعی و روابط ناشی از آن را سبب می‌شود. مطالعاتی متعدد در مقیاس جهانی نشان از تأثیر قطعی این عامل در تکوین شهر و کانون زیستی دارد. این امر بی‌تردید تنها به روزگاران کهن محدود نمی‌گردد. شکل‌گیری نو - شهرهای متفاوت، بنابر جهان‌بینی‌های متفاوت در قرن اخیر نیز حاکی از این امر است. نقش قطعی این عامل زمانی روشن‌تر می‌شود که شهر چون تبلور کالبدی‌های جامعه‌ای که در آن می‌زید، جلوه می‌کند.

دوم: عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف مادی جهان، این عامل عمدتاً بر چگونگی، تولید و توزیع ثروت، حرکت (گردش کالا)، نحوه تولید، توزیع و مصرف محصولات و رابطه آن با ساخت

ک □ از شار تا شهر

کالبدی نظر دارد. مقصود از این عامل آنی است که معنای روابط و ارتباطات اقتصادی، را دارد. مطالعات بیشماری در مقیاس جهانی چه در قرن اخیر و چه در قرن گذشته تأکیدی عمده بر نقش این عامل در تکوین شهر دارند. محققین بسیار، تأثیر قطعی و تکوینی این عامل را حتی به شهرهای روزگاران کهن تعمیم می‌دهند و شکل‌گیری آنها را منوط به این عامل می‌دانند. این گروه از محققین، عامل جهان‌بینی را نه تأثیرگذار بلکه تأثیرپذیر از این عامل می‌دانند. آنچه در بررسی تاریخی این عامل در گذشته اهمیت دارد، پدیده «غارت - دفاع» است که در مقیاس جهانی به طور عام و در مقیاس کشور به گونه‌ای خاصی نقش بازی کرده و تأثیری سرنوشت‌ساز بر اوج و حضيض شهر داشته است. تأثیر این پدیده بر سرنوشت شهر در ایران تا قرن گذشته هنوز قابل تعمق و تعیین‌کننده است. به گونه‌ای که می‌توان پدیده غارت - دفاع را پدیده‌ای دانست که تاریخ شهر را تبیین کرده است.

سوم: عامل محیط یا اقلیم، یا چگونگی تعریف زیست - محیطی جهان، این عامل، آب و هوا، همواری و ناهمواری، و به طور کلی عناصر محیط زیست طبیعی را شامل می‌شود. عناصر محیط زیست طبیعی در شکل‌گیری کانون زیستی و شهر نقشی اساسی داشته است، به گونه‌ای که پژوهشگرانی بسیار در جهان، شکل‌گیری تمدن‌های نخستین را منوط به وجود این عناصر دانسته و معتقدند که بدون وجود این عناصر هیچ‌گونه شکل‌گیری کالبدی ممکن نبوده و نمی‌باشد. آنچه در این عامل اهمیت دارد، تأثیر قطعی آن بر شکل‌گیری کالبدی و تظاهرات فضائی کانون زیستی و شهر است، که حتی علی‌رغم پیشرفتهای وسیع علم و فن در زمینه‌های ایجاد شرایط زیست مصنوعی، هنوز آخرین کلام در ساماندهی فضائی را این عامل می‌گوید. عاملی که در پیدایش و از میان رفتن شهرهای قدرتمند گذشته نقش داشته و هنوز نیز تعیین‌کننده است.

بدون تعریف دقیق این عوامل، بدون شناخت ظرافتها و مسائل آن، هرگونه تلاش برای شناخت فرایند تاریخی یک شهر با مشکل مواجه خواهد شد. رها کردن یا کم‌توجهی به هر یک از عوامل یاد شده و تمامی زیرنظم‌های آنها سبب خواهد شد تا گذشته و موجود شهر بد شناخته شود و در نتیجه تحولات آتی آن غیرقابل تخمین شده و یا با تردیدهای بسیار روبرو گردد. در واقع امر تاریخ شهر آمیخته‌ای است از سه عامل فوق که به گونه‌ای بس در هم تنیده، سرنوشت شهر را رقم زده و رقم می‌زنند. سیمای کالبدی این تاریخ یعنی شهر به معنای اخص کلمه، تنها زمانی می‌تواند درک شود که پژوهش ریخت‌شناسانه شهر به عنوان باز تولید فضائی

مقدمه □ ل

و ابداع دوباره سنتهای معماری و شهرسازی در هر زمانی مطرح گردد. این پژوهش قادر خواهد بود که هر مداخله و هر دگرگونی در فضای شهری در مقاطع متفاوت تاریخی را تعریف کرده و از طریق تحلیل سازمان فضائی و یادمانهای به جا مانده از گذشته، سازمان اجتماعی - اقتصادی و محیطی مربوط را تبیین کند.

تجربه چند دهه اخیر بخوبی نشان داده است که تأثیر اقدامات فضائی چه آگاهانه و چه نا آگاهانه، در سازمان فضائی شهر تا چه اندازه چهره کالبدی شهر را تغییر داده است. اقداماتی که در مسیر تداوم تاریخی و با آگاهی کامل از عوامل تضمین کننده‌ای که در بالا یاد شد، انجام گردیده‌اند، از نظر پژوهش ریخت‌شناسانه شهری، فضائی ملموس، قابل درک و اطمینان بخش را سبب گردیده‌اند، حال آنکه مداخلاتی که نا آگاهانه - چه عمدی و چه غیرعمدی - در موقعیت تاریخی خاص انجام گردیده و به شهر، نه چون یک موجود زنده، بلکه چون موجودی منجمد نگریسته‌اند باعث انهدام سازمان فضائی آن گردیده‌اند و چهره‌ای کریه‌بدان بخشیده‌اند. دریافت فرایند تحول تاریخی شهر و ادراک عوامل تأثیرگذار در آن، سبب می‌گردد تا شهر، که تاکنون در هر مقطع تاریخی منطبق بر زمان خویش بوده و با استفاده از نحوه تفکر و داده‌های علمی و دستاوردهای فنی عصر به خود تحول بخشیده است، یکبار دیگر با حفظ تداوم تاریخی، خود را بر زمان منطبق کند. آنچه در این دریافت اهمیت دارد، شناخت جوهره وجودی شهر و نوآوری است که به طور تاریخی در آن وجود دارد. در چنین شناختی، حرکت از قطع تداوم تاریخی و نفی کامل گذشته به همان اندازه مذموم است و سر در بیراهه دارد که باقی ماندن در فضای کهن و در چارچوب تفکرات شاعرانه گذشته گرفتار آمدن.

فرایند شهرگرایی، شهرنشینی، شهرسازی ایران را با توجه به منابع و مدارک موجود و حرکت از تحلیلی ریخت‌شناسانه می‌توان در سه دوره عمده و کلی مورد بررسی قرار داد، با توجه به اینکه این دسته‌بندی عمومی ویژگیهای مقاطع درونی هر دوره را از یاد نخواهد برد. این سه دوره عبارتند از:

اول: سیر تحول شهرنشینی، شهرگرایی و «شهر سازی» قبل از اسلام، این دوره حدوداً از قرن نهم ق. م. آغاز شده و تا قرن هفتم میلادی ادامه می‌یابد. این دوره منطبق بر شروع تمدن شهری ایرانی بوده و با حمله مسلمانان به ایران و فتح ایران به دست آنان پایان می‌پذیرد.

دوم: سیر تحول شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی بعد از اسلام، این دوره با استقرار اولین حکومت‌های مستقل داخلی در ایران شروع شده و تا سال ۱۲۰۰ قمری، ۱۱۶۵ شمسی و ۱۸۷۶

میلادی، عصر صنعت و شروع سلسله قاجار ادامه می‌یابد.

سوم: سیر تحول شهرنشینی، شهرگرایی، و شهرسازی در دوران معاصر، این دوره با استقرار حکومت قاجار در ایران شروع و تا سال ۱۳۵۷ شمسی، ۱۹۷۹ میلادی ادامه می‌یابد.^۱

در برخورد با این سه دوره کلی سعی بر آن خواهد شد که عنوان سه‌گانه یاد شده موثر در شکل‌گیری شار و شهر در ایران مورد بررسی واقع شوند و با توجه به مقتضیات هر دوره، مشخصه‌ها و برسنج‌های هر یک از مقاطع درونی آن بازشناخته شوند. تفاوت‌های ماهوی و عرضی بین هریک از دوره‌های سه‌گانه بخصوص دوره معاصر با دو دوره پیشین طلب می‌کند تا به دگرگونیها و تجدید تولیدها و بازتولیدها و ابداعات هر دوره و هر مقطعی از هر دوره توجهی درخور صورت پذیرد.

دیگر نکته‌ای که نیاز به تذکر دارد، شیوه‌ها، سبک و الگوهای متفاوتی است که برای هر مقطع از دوره‌های سه‌گانه مورد بحث قرار می‌گیرند و با توجه به سرزمینی که از آن جاری می‌شوند، مطرح می‌گردند. این مهم قبلاً در بررسیها و پژوهشهای ادبی، هنری و معماری صورت گرفته است و هر سبکی یا شیوه‌ای با توجه به سرزمینی که از آن برخاسته است، نامی بر خود گرفته است و به دور از دولت‌ها، حکومتها و سلسله‌ها معنا یافته است^۲، گو اینکه ممکن است این ایراد وارد شود که در ادبیات نظم و نثر و هنر بخصوص نقاشی، معماری و حجاری نامیدن سبک به صورت سرزمینی مصداق بیشتری دارد تا شهرسازی، بدان علت که شهرسازی تبلور و انباشت سالیان درازی از تجارب بشری و سبکهای متفاوت است، ولی این استدلال نیز وارد است که سازمان یافتن شهر در شروع آن را می‌توان به سرزمین و قومی خاص نسبت داد و از آن ره به هویتی خاص و گویشی با معنا برای محاوره دست یافت. به هر تقدیر آنچه در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد، از مفاهیم سرزمینی پیروی می‌کند و از تقسیم بندیهای

۱. مقطع، - ۱۳۵۷ هـ - ش. تا کنون، که برای پرداختن بدان هنوز نیاز به زمان است. گو اینکه بازخوانی کوتاهی از آن در این کتاب صورت گرفته است.

۲. در این مورد نگاه کنید به تاریخ هنر: جانسون، ترجمه پرویز مرزبان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۹، برای سبکهای متفاوت جهانی و همچنین رجوع کنید به مطالعات و یادداشتهای استاد پیرنیا در مورد سبک‌های معماری ایرانی: پیرنیا، محمد کریم: سبک‌شناسی معماری ایران، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، اداره کل باستان‌شناسی، شماره ۱، ۱۳۴۷؛ پیرنیا، محمدکریم؛ ارمانهای ایران به جهان معماری، هنر و مردم، وزارت فرهنگ و هنر، شماره‌های ۱۳۹، ۱۴۲، تهران، ۱۳۵۳.

مقدمه □ ن

حکومتی و دولتی مرسوم - که بخصوص از سوی مستشرقین پایه‌گذاری شده است، با همه احترام به تلاشهای آنان - دوری می‌گزیند.

با چنین برداشت و تعبیری از سیر تحول و تطوّر سبک و شیوه، فرایند شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در ایران در سه دوره کلی فوق و زیر تقسیم‌های آنها، مورد بحث واقع خواهند شد:

۱- سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی قبل از اسلام، تولد و شکل‌گیری «شار».

۱-۱- ساخت و بافت شار از قرن نهم ق. م. تا قرن چهارم ق. م.، سبک پارسی، نشأت گرفته از تمدن میان رودان (بین‌النهرین)، شکل‌گرفته در سرزمین ماد و سازمان‌یافته در سرزمین پارس. شهر و یا شار مادی و پارسی، حکومت‌های ماد و هخامنشی تا حمله اسکندر و دگرگونی مفاهیم.

۱-۲- ساخت و بافت شار و یا شهر در قرن سوم ق. م.، تلفیق و درهم آمیختگی شار پارسی با دولت - شهر یونانی، شکل‌گیری شهر پارسی - هلنی، اختلاط نظری و عملی در نحوه تفکر و نگرش به جهان.

۱-۳- ساخت و سازمان شار از اواخر قرن سوم ق. م. تا قرن هفتم میلادی (یکم هجری) در این دوران با بالندگی مفهوم شار، سازمان یافتگی کامل آن، ابداع و سازماندهی مجدد مفهوم شار در سرزمین پارت و اشاعه آن در سرزمین‌هایی که بعدها پارسیان بر آن حکومت راندند، روبرو هستیم. سبک پارتی: حکومت‌های اشکانی و ساسانی را شامل می‌شود.

۲- دگرگونی مفاهیم، سیر تحول شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی بعد از اسلام، ابداع مجدد مفهوم در دوران اسلامی.

۲-۱- ساخت و سازمان شهر از قرن یکم ه. ق. تا قرن چهارم ه. ق. (۷ تا ۱۱ میلادی)، تولد مفهوم جدیدی از شار با توجه به دگرگونی‌هایی که در نحوه نگرش به جهان صورت پذیرفته است، در این دوران با ارتقاء و تحول سبک پارتی در وراودان (ماوراءالنهر) و خراسان بزرگ روبرو هستیم، تولد سبک خراسان در همه زمینه‌های ادبی و هنری، سازمان‌یابی شارهای دوران اولیه اسلامی، ظهور و دگرگونی مفاهیم نظریه‌ای، و نوگرایی و نواندیشی و تجدید حیات علمی و ادبی ایران دوره اسلامی در قرن چهارم ه. ق. (۱۱ میلادی) و

ظهور حکومت‌ها ایرانی از طاهریان و سامانیان تا دیلمیان از خصیصه‌های این دوران است.

۲-۲- ساخت و بافت شار یا شهر از قرن چهارم هـ.ق. تا قرن هفتم هـ.ق. (۱۱ تا ۱۴ میلادی)، اوج تجدید حیات علمی و ادبی و هنری در دو قرن نخستین دوره، تولد سبک رازی در معماری و ادبیات و دیگر هنرها و اشاعه آن به دیگر سرزمین‌ها. گذار از شار آزاد و آزاداندیش دوران دیالمه به شار قدرتمند و یکسونگر حکومت‌های سلجوقی و خوارزمشاهی^۱.

۳-۲- ساخت و سازمان شار از قرن هفتم تا قرن یازدهم هـ.ق. (۱۴ تا ۱۷ میلادی). حسیض و از میان رفتن مفهوم و سنت شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در آغاز این دوره و ابداع مجدد آن در پایان دوره، سازماندهی مجدد شهر تبریز و ایجاد نوشهرهای آذری، تولد و شکل‌گیری سبک آذری در ادبیات، هنر و معماری. شهر در دوران ایلخانیان، اتابکان، ترکمانان و گورکانیان.

۴-۲- ساخت و بافت شهر از قرن یازدهم هجری قمری تا شروع قرن سیزدهم هجری قمری (۱۷ تا ۱۸ میلادی). ابداع مجدد مفهوم شار، اعتلا و ارتقای مفهوم، تولد مکتب اصفهان در هنرها، معماری و شهرسازی. سازماندهی فضائی مفهوم شار در قرن نخستین (قرن یازدهم هـ.ق.) و انحطاط و سقوط آن در قرن بعدی (قرن دوازدهم هـ.ق.، ۱۸ میلادی).

۳- سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در دوران معاصر، ابداع و باز ابداع مفهوم شار، تولد مفهوم «شهر» و قلب ماهیت مفهوم شار.

۳-۱- دگرگونی در نحوه نگرش به مفهوم شار، پیدایش مفهوم «شهر»، پیدایش سبک هندی در ادبیات و گسترش آن به دیگر عرصه‌های هنری، نطفه‌بندی و تولد «سبک تهران» در معماری و شهرسازی در اواسط حکومت قاجار (دوره ناصری) و ادامه آن تا کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش.، دگرگونی در مفاهیم و روشها، در تولید و بازتولید و سرانجام در نحوه تفکر به جهان.

۱. شکل‌گیری، اوج و دگرگونی این دوران بخوبی با تحولات دوران رنسانس و باروک که در پایان این دوره آغاز می‌شوند، قابل مقایسه و تحلیل است. با این تفاوت که پایان باروک با آغاز عصر صنعتی مصادف است، حال آنکه پایان دوره شار قدرتمند و ثروتمند این دوره را حمله مغول رقم می‌زند.

مقدمه □ و

۲-۳- شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در مفهوم جدید آن از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هـ ش. (۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵ میلادی)، شکل‌گیری الگوی تهران متأثر از سبک بین‌المللی اشاعه یافته از سوی جنبش نوگرایی جهانی. انعکاس الگوی تهران در معماری و شهرسازی. تهران از این پس نه به عنوان یک سبک بلکه به عنوان الگو مطرح می‌گردد.

۳-۳- شهرگرایی و شهرسازی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ هـ ش. (۱۹۴۱ تا ۱۹۷۹ میلادی)، اشاعه الگوی تهران در شهرسازی و معماری، مسأله شدن مفهوم شهر و سازمان فضائی آن، پیدایش نخستین طرح‌های برنامه‌ریزی شده، دگرگونی در شکل، تغییر در محتوا.

در چنین گستره‌ای، تلاش بر آن خواهد بود تا با کمک گرفتن از شواهد موجود، چه مکتوب و چه غیر مکتوب، فضائی - کالبدی و یا غیراز آن، از عینیت به ذهنیت، از ماده به معنی و از شاهد به مشهود رسید. آنچه مراد است تحلیل فرایندی است که از گذشته دور و نزدیک ما را از شار به شهر رسانیده است و آینده این دگرگونی را نیز رقم خواهد زد. بازگشت به تاریخ نه به معنای منجمد شدن در آن و تفسیر آن بلکه تحلیل و جمع‌بندی آنست. مراد ایجاد شار گذشته نیست، منظور شناخت شهر امروز و شهر فرداست. مسأله در مسلح شدن به ابزار نظریه‌ای برای حرکت از گذشته به آینده در گذر از حال موجود است.